

جزء پنجم

وجوب دفاع و حمایت از مستضعفان عالم

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾

سوره نساء، آیه ۷۵

شمارا چه شده که در راه خدا و نجات مردان
و زنان و کودکان مستضعفین که زیر سلطه
دشمنند، نمی جنگید؟!



سُورَةُ النَّبَاِ

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
 وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
 الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا
 ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي
 سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ
 كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَمَا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَافِرِقُ مِنْهُمْ
 يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشِيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشِيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ
 عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ
 وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ أَيِنَّمَا تَكُونُوا
 يَدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِن تُصَبِّهُمُ حَسَنَةٌ
 يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِن تُصَبِّهُمُ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ
 عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَفْقَهُونَ
 حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ
 فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بیانی از آیه شریفه

یکی از اصول مهم رفتاری قرآن کریم اصل حمایت و دفاع از مظلومان در برابر ظالمان است و خدای متعال از مؤمنان خواسته است که برای دفاع از مظلومان به جهاد برخیزند و در صورت لزوم، با ظالمان بجنگند.

در آیه فوق، خداوند متعال با تحریک عواطف و احساسات مؤمنان، آنان را برای دفاع از مظلومان ترغیب می‌کند و توجهشان را به کودکان و زنان و مردان مظلومی معطوف می‌سازد که هیچ راهی برای دفاع از خود و پناهگاهی جز خدا ندارند و دست به دعا برداشته‌اند و از خدا نجات از ظلم ظالمان را می‌طلبند.

از این آیه می‌توان فهمید که هدف جهاد در اسلام کشورگشایی یا رسیدن به منافع مادی نیست، بلکه هدف جهاد دفاع از مظلومان و مقابله با ظالمان است. نیز این نکته را می‌توان دریافت که در دفاع از انسان‌ها اتحاد در ملیت و قوم و نژاد و مانند آن دخالتی ندارد، بلکه نکته مهم مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم است و فرقی نمی‌کند که این مظلوم از کدام رنگ و نژاد و قوم و قبیله‌ای باشد؛ همان‌طور که درباره ظالم تفاوتی ندارد که از کدام قوم و قبیله و نژاد است. همواره باید به کمک مظلوم رفت و در برابر ظالم ایستاد:

کوه باشی، سیل یا باران... چه فرقی می‌کند؟

سرو باشی، باد یا طوفان... چه فرقی می‌کند؟

مرزها سهم زمین‌اند و تو اهل آسمان
 آسمان شام با ایران چه فرقی می‌کند؟
 قفل باید بشکند، باید قفس را بشکنیم
 حصر «الزهره» و «آبادان» چه فرقی می‌کند؟
 مرز ما عشق است، هر جا اوست آنجا خاک ماست
 سامرا، غزه، حلب، تهران چه فرقی می‌کند؟
 هر که را صبح شهادت نیست، شام مرگ هست
 بی‌شهادت، مرگ با خسران چه فرقی می‌کند؟
 شعله در شعله تن ققنوس می‌سوزد ولی
 لحظه آغاز با پایان چه فرقی می‌کند؟^۱

در آینه آیات کریمه قرآن

- ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۲
- ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ

۱. سیدمحمد مهدی شفیعی.

۲. سوره مبارکه حج، آیه ۴۰: «همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند. مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.»

مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱!

در آینه روایات معصومان علیهم السلام

– امام علی علیه السلام: قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنَيْنِ عليهما السلام عِنْدَ وَفَاتِهِ وَقَوْلًا بِالْحَقِّ وَاعْمَلَا لِلْأَجْرِ وَكُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ أَشْرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ^۲.

– امام صادق علیه السلام: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۳.

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۷۲: «مسلمانان کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کردند و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینان اند که یار و دوست یکدیگرند و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند، شما را از دوستی آنان هیچ سودی نیست تا زمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید، مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترک جنگ] برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷: موقعی که وفاتشان نزدیک شده بود، در وصیت خود به حسنین علیهم السلام فرمودند: «حق بگوید و برای ثواب الهی بکوشید. دشمن ستمگر و یار ستمدیده باشید.» سپس فرمودند: «خدا را، خدا را درباره جهاد با اموال و جان و زبانتان در راه خدا... امر به معروف و نهی از منکر را واگذارید که بدکارانتان بر شما مسلط شوند، آن‌گاه دعا کنید و به اجابت نرسد.»

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴: «هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد از آنها نیست، و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند: "مسلمان‌ها به دادم برسید" و جوابش نگوید مسلمان نیست.»



■ این آیه دعوت به سوی جهاد بر اساس تحریک عواطف انسانی می‌کند و می‌گوید: «چرا شما در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان مظلوم و بی‌دفاعی که در چنگال ستمگران گرفتار شده‌اند مبارزه نمی‌کنید؟ آیا عواطف انسانی شما اجازه می‌دهد که خاموش باشید و این صحنه‌های رقت بار را تماشا کنید؟» ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾. آیه فوق اشاره به این است که خداوند دعای آنها را مستجاب کرده و این رسالت بزرگ انسانی را بر عهده شما گذاشته. شما «ولی» و «نصیری» هستید که از طرف خداوند برای حمایت و نجات آنها تعیین شده‌اید. بنابراین، نباید این فرصت بزرگ و موقعیت عالی را به آسانی از دست دهید.^۱

■ نکته‌ها و اشاراتی می‌توان برای این آیه اشاره داشت:

بی‌تفاوتی در مقابل ناله و کمک‌خواهی مظلومان و مستضعفان عملی نارواست؛ یعنی مسلمانان باید غیرت دینی داشته باشند؛ محیط فاسد و ستم‌آلود را باید تغییر داد و چنانچه تغییر و اصلاح آن ممکن نباشد، باید از آنجا هجرت کرد؛ محرومان و مستضعفان باید برای نجات از طاغوت‌ها دعا کنند و به خدا پناه ببرند و در صدد نجات برآیند؛ مسلمانان در برابر هم‌نوعان و هم‌کیشان مستضعف خود مسئول‌اند. در هر کشور و هر زمان که مردان و زنان و کودکانی تحت ستم قرار دارند، مسلمانان موظف‌اند به ندای مظلومیت آنان پاسخ دهند و برای نجاتشان بکوشند؛ یعنی حمایت اسلام از مظلومان جهان مرز ندارد.^۲

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹.

۲. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۴، ص ۲۰۲.

■ جهاد احساس مسئولیت است

جهاد اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به اینها نرسد؛ نور هدایت به اینها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و این حجاب‌هاست. جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد دفاعی است یا ابتدایی است یا مانند اینها، بحث‌های فرعی است. بحث اصلی این است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾؛ چرا جهاد نمی‌کنید، مقاتله نمی‌کنید، نبرد نمی‌کنید در راه خدا و بلافاصله [می‌گویید] و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانت را کف دستت بگیر در میدان‌های خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی. معنای این همان مسئولیت است دیگر؛ یا این حدیث معروفی مَن أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است، که این جزو بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه خود، هم نسبت به بشریت مسؤل است؛ که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب و غریبی انسان مشاهده می‌کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت.^۱

■ جهاد دفاع از مظلوم است

دفاع از مظلوم همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پا فشردن بر حقیقت ارزش‌هایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه با ارزش است.^۲

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۹/۱۶.



صبح‌ها سوار دوچرخه ۲۸ چینی‌اش می‌شد و فاصله حدود ده کیلومتری تا مدرسه را رکاب می‌زد. صبح و بعد از ظهر کلاس داشت، بعضی ظهرها خانه خاله یا دایی‌اش در مرکز شهر می‌رفت و بعضی روزها گوشه‌ای می‌نشست و با دوستانش ناهار می‌خورد. یک روز که از مدرسه به خانه می‌رسد، لنگان لنگان و با چشمانی اشک‌بار وارد حیاط خانه می‌شود و از کنار درختان انگور خودش را به آب‌نما می‌رساند. کنار جوی آب می‌نشیند و پاچه شلوار خون‌آلودش را بالا می‌کشد. مادر با شنیدن صدای ناله و گریه او، خودش را می‌رساند و می‌پرسد: «ااا... چه کار کردی با خودت؟ تمام پاهایت زخمی و خونی شده است.» برادرها مضطرب و ناراحت به کبودی‌ها و زخم‌های پای محمد مهدی نگاه می‌کنند و دلشان ریش‌ریش می‌شود. محمد مهدی از درد صورتش را در هم می‌کشد و ناله می‌کند. نگاهش را از مادر می‌گیرد و می‌گوید: «با چهار-پنج تا از گردن کلفت‌ها و زورگوهای مدرسه دعوایم شد و آنها بد جور کتکم زدند.» مادر همان‌طور که زخم‌های محمد مهدی را می‌شست، گفت: «آخه بچه، چرا دعوا کردی؟! ... مگر مرض داری؟» محمد مهدی بغضش را قورت دارد و ناراحت گفت: «داشتند زور می‌گفتند! ... چهار-پنج نفر قلدر گردن کلفت یک بچه مظلوم گیر آورده بودند و داشتند به او ظلم می‌کردند... اذیتش می‌کردند.» مادر مکثی کرد و با مهربانی گفت: «ننه، ... وقتی زورت به آنها نمی‌رسد، چرا جلو می‌روی؟ حالا ببین چقدر کتک خوردی. تمام بدنت سیاه و کبود شده.» محمد مهدی با بغض گفت: «حُب، نمی‌توانستم تحمل کنم. ... وقتی به کسی ظلم می‌شود و تنهاست، نمی‌توانم تحمل کنم. ... دست خودم نیست.» مادر بلند شد و رفت. محمد مهدی با عجله بلند شد و لنگان به دنبال مادر گفت: «راستی

نه، ... اگر می شود، شما بیایید مدرسه و به معلم ها و مدیر مدرسه شکایت کنید از دست این بچه های زورگو.)) مادر با ناراحتی گفت: «من نمی توانم. ... می خواستی دعوا نکنی.»

محمد مهدی با اصرار زیاد مادر را راضی کرد که به مدرسه بیاید و از آن بچه های زورگو شکایت کند. چند روز گذشت و دوباره یک روز محمد مهدی زخمی و خونی چرخش را گوشه حیاط، کنار درخت های انگور، انداخت و لنگان لنگان کنار جوی آب نشست. این بار گریه و ناله نمی کرد. آهسته نشست و زخم های زانو و دستش را شست. برادر کوچکش، محمد رضا، دوید کنارش و گفت: «ا... ا... چه شده؟ دوباره دعوا کردی؟» محمد مهدی لبخندی زد و آهسته گفت: «ها... این دفعه در راه آمدن به خانه، بچه مظلومی دیدم که سه - چهار نفر اذیتش می کردند و کتکش می زدند. ... من هم نتوانستم تحمل کنم و رفتم درگیر شدم. ... اما این بار کتک مفصلی به آن زورگوها زدم.» محمد رضا با تعجب پرسید: «ا... اگر کتک زدی، چرا دوباره این قدر زخمی و خونی شدی؟» محمد مهدی خنده ای سر داد و گفت: «از ترس اینکه دنبالم کنند و کتکم بزنند، دویدم سوار چرخ شدم و فرار کردم، ... اما سر پیچ، در آب ها سُر خوردم و افتادم زمین.» صدای خنده محمد رضا بلند شد. او دست های برادر را که به سویش دراز شده بود گرفت و کمکش کرد تا بلند شود.^۱

وقت است تا برگ سفر، بر باره بندیم

دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم

از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم

بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

دریادلان راه سفر در پیش دارند
پا در رکاب راهوار خویش دارند
گاه سفر را چاووشان فریاد کردند
منزل به منزل حال ره را یاد کردند
گاه سفر آمد، نه هنگام درنگ است
چاووش می‌گوید که ما را وقت تنگ است^۱



از تمرین‌های عملی برای دفاع از مظلوم می‌توان به تبیین چرایی دفاع از مظلوم در فضای مملو از شبهه و روشنگری برای تشخیص حق از باطل و همچنین دفاع از مظلوم با تمام توان مالی و غیرمالی اشاره کرد.



نیاز انسان به حامی

یکی از نیازهای اساسی ما انسان‌ها نیاز به حمایت است. فرمود: «انسان ضعیف خلق شده است.»^۲ اولین لایه حمایتی مستحکمی که ما در آغاز خلقت در آن قرار داریم، خانواده است. پدر و به‌ویژه مادر نخستین حامی‌های ما هستند و همیشه و هر لحظه کنارمان هستند.

1. hawzah.net

۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۲۸.

ظلم غرب به بشر با تضعیف لایه حمایتی خانواده

یکی از ظلم‌های بزرگی که غرب به بشر کرده این است که مهم‌ترین لایه حمایتی بشر را که خداوند تعبیه کرده، یعنی خانواده را تضعیف کرده است. بیشتر غربی‌ها پدر مشخصی ندارند و معمولاً در شناسنامه نام مادر ثبت می‌شود. آیا مادر به تنهایی می‌تواند حمایت‌های لازم را از فرزند خود کند؟ می‌خواهند همین برنامه را در ایران اجرا کنند: بی‌حامی کردن فرزندان. یکی از تئوریسین‌های یهودی که صاحب رسانه‌های فارسی در جهان است گفته بود: «اگر ما بخواهیم با ایران مقابله کنیم، باید مقدس بودن مادر را از چشمان مردم ایران بیندازیم.»^۱ اما فرهنگ جامعه ما چگونه است؟ می‌بینیم که کسی هر قدر لات هم باشد، روی دست و بازویش خالکوبی می‌کند: عشق است مادر.

چگونه نظام سرمایه‌داری لایه حمایتی خانواده را تضعیف کرد؟

گاهی به بهانه حقوق زن گفتند حق زن است که سر کار برود. بعد پست‌ترین کارها را به زنان دادند. مردان را در برابر زنان بی‌مسئولیت بار آوردند. گاهی حرمت پدر را شکستند و به بهانه حقوق کودک، یک خط مستقیم تلفن گذاشتند و به بچه‌ها گفتند هر وقت احساس کردید پدر و مادر شما را اذیت می‌کنند، کافی است به این شماره زنگ بزنید. دست بسته والدینتان را می‌بریم.

نظام سرمایه‌داری حامی جدید ناقص

پس از اینکه غرب نظام خانواده را که نظام حمایتی بود از بشر گرفت، خود را حامی معرفی کرد. آنها به خوبی می‌دانند بشر نمی‌تواند بدون حامی زندگی کند. البته این حمایت هزینه هم دارد. وقتی منافعش در خطر باشد، تو را بی‌حامی رها می‌کند. حمایت با شرط و شروط است.

1. <http://haghghat14.mihanblog.com/post/tag/مرداک> رابرت+

اسلام چگونه نیاز انسان به حامی را پاسخ می‌دهد؟

اسلام اولین لایه حمایتی را خانواده قرار داده است، اما این لایه حمایتی تنها به خانواده ختم نمی‌شود؛ تا جامعه کشیده می‌شود. جامعه ایمانی فراتر از ملیت، قومیت، هم‌خون و هم‌خاک بودن کشیده می‌شود. لایه حمایتی مؤمنان در برابر یکدیگر از هر قوم و قبیله تعریف می‌شود.

حمایت اجتماعی از مظلومان در مقابل ظالمان

لایه حمایتی مؤمنان و مسلمانان از یکدیگر آن قدر برای خدا مهم است که می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۱! (شما را چه شده که در راه خدا و برای نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که اهلس ستمکارند بیرون ببر و از سوی خود، سرپرست و یآوری برایمان قرار ده.) از این آیه معلوم می‌شود که اسلام اساساً جنگ طلب و کشورگشا نیست، بلکه اگر می‌جنگد، برای نجات کسانی است که حامی و پناهی ندارند.

امروز می‌بینیم که زنان و کودکان مظلوم غزه تا لبنان چگونه امت اسلامی را به حمایت از خودشان فرامی‌خوانند؟ اگر ما حمایت نکنیم، چه کسی حمایت کند؟ ما تربیت شده مکتب امیرالمؤمنینی هستیم که فرمودند: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً»^۲ همان آقایی که وقتی خلخال از پای زن یهودی در مرزهای کشورهای مسلمانان درآوردند، فرمودند اگر مردی بشنود که چنین اتفاقی افتاده، ولی کسی به حمایت از او برنخاسته

۱. سوره مبارکه نساء، آیه ۷۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

است، جا دارد بمیرد. نه چون که خلخال زن را درآورده‌اند، بلکه برای اینکه کسی به حمایت از او برخاسته است.^۱

اگر حمایت نکردیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه فرمود: «آیا درست است مسلمان‌ها این‌گونه مبتلا و گرفتار باشند و ما غافل باشیم و دست روی دست بگذاریم و حتی حال دعا و توسل هم نداشته باشیم؟ مگر صاحب کار یکی نیست؟ مگر امور ما و آنها به دست یکی نیست؟ پس، چرا به او متوسل نمی‌شویم و در رفع مشکلات و شداید و بلاها از او استمداد نمی‌کنیم و او را نمی‌خوانیم؟ اگر امروز ما در مصایب آنها شریک نباشیم، یعنی اینکه فردا هم اگر ما گرفتار شدیم، شما هم در مصایب با ما شریک نباشید.»^۲

امروز روز رستاخیر امت اسلامی برای حمایت از مردم مظلوم غزه و لبنان است. خدا از ما توقع دارد که قیام کنیم. اگر برای حمایت از آنان قیام نکنیم، باید به این نکته نیز توجه کنیم که شاید روزی زن و بچه ما هم در معرض چنین گرفتاری‌ای قرار گیرند. حواسمان باشد که همه امت اسلامی یک خانواده هستیم.



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. همان، خطبه ۲۷.

۲. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۳، ص ۲۲۹، نکته ۱۶۸۰.

